

بررسی میزان انطباق خدمت سربازی با شرع و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

سید مهدی صنعتی

کارشناس ارشد حقوق و قاضی دادگستری

چکیده

هر گونه کار اجباری، حتی اگر با پرداخت بالاترین حقوق ممکن باشد، مذموم است و نفس اجبار، نارضایتی و عصیان را در پی دارد؛ سربازی اجباری نیز از این قاعده مستثنی نیست. خداوند متعال انسان را آزاد آفریده و در پرتو این اراده آزاد است که انسان می تواند به مقامات عالی خلقت دست یابد. کار اجباری و بهره کشی از کار دیگران به شدت مورد مخالفت شرع مقدس اسلام است. در اصول مختلف قانون اساسی ج.ا.ا. نیز بر آزادی انتخاب شغل تأکید شده و اصل یکصد و پنجاه و یکم صرفاً دولت را موظف به فراهم نمودن برنامه و امکانات آموزش نظامی برای همه افراد کشور نموده که طول مدت آموزش های نظامی در نیروهای مسلح کمتر از دو ماه است.

۲۵۵



مقدمه

بحث و جدل پیرامون خدمت سربازی اجباری در کشور ما از زمان رضا خان تا کنون هیچ گاه فروکش نکرده و اخیراً مخالفت ها با سربازی اجباری بیشتر از زبان نمایندگان مجلس شنیده می شود. صریح ترین و قابل توجه ترین اظهار نظر، این بود که یکی از نمایندگان مجلس، سربازی را کارخانه دشمن سازی برای نظام دانسته و افزوده که سربازی دومین عامل تأخیر در ازدواج بوده و این قانون موجب شده که سه میلیون سربازی غایب و فراری در کشور وجود دارد و در جامعه ای که قانون منطبق با واقعیت نباشد، شهروندان مجرم تلقی می شوند (به نقل از اعتماد آنلاین - مصاحبه با ابوالفضل ابوترابی - ۱۳ فروردین ۱۴۰۰).

فلسفه سربازی اجباری را می توان افزایش توان تهاجمی یا تدافعی کشور، با حداقل هزینه و با مشارکت مردم، دانست. این سیاست در جنگ های گذشته، که وابستگی شدیدی به فراوانی نیروی انسانی داشت و به اصطلاح جنگ رو در رو بود، مفید و مؤثر بود؛ لکن آیا جنگ های فعلی و آینده نیز از جنس همان جنگ های گذشته است؟ آیا دشمن باز هم در مقابل ما صف آرایی خواهد کرد تا سربازان ما با سلاح های انفرادی آنها را از پای در آورند یا اینکه از هزاران کیلومتر دورتر با انواع سلاح های پیشرفته و دوربرد، نه فقط مرزهای کشور که تمام نقاط آن را، در تیررس خود دارد؟ مهم تر اینکه جنگ فعلی علیه کشور ما آیا جنگ نظامی است یا جنگ های ترکیبی (رسانه ای، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی) قانون خدمت وظیفه عمومی کنونی مصوب ۶۳/۷/۲۹ است که در تاریخ ۶۳/۸/۸ به تأیید شورای نگهبان رسیده است و گر چه تا کنون بارها مورد اصلاح قرار گرفته لکن خدشه ای به اصل خدمت سربازی اجباری وارد نشده و همچنان برابر ماده ۴ این قانون خدمت وظیفه عمومی ۳۰ سال است! دو سال خدمت ضرورت و مابقی دوره های احتیاط و ذخیره. با توجه به مخالفت های فراوانی که با سربازی اجباری در جامعه وجود دارد، در این تحقیق نگارنده می کوشد به این سؤال اساسی

پاسخ دهد که آیا خدمت سربازی اجباری با موازین شرعی و قانون اساسی و مصالح عالی نظام ما مطابقت دارد یا خیر؟

فرضیه نگارنده این است که سربازی اجباری با شرع مقدس اسلام و قانون اساسی و مصالح نظام جمهوری اسلامی در تعارض است و ضرورت دارد که از سربازی اجباری به سمت سربازی حرفه ای حرکت نماییم.

در این مقاله، که به شیوه ی تحقیق کتابخانه ای نگارش یافته، تلاش شده که با لحاظ واقعیات اجتماعی و اقتضائات ملی و بین المللی، خدمت وظیفه عمومی مورد واکاوی شرعی و قانونی قرار گرفته و کارکرد آن در شرایط فعلی و آینده نظام جمهوری اسلامی ایران مورد ارزیابی قرار گیرد.

بخش اول: تاریخچه خدمت سربازی

خوی استکباری و استعماری پادشاهان کشورهای مختلف در سده های اخیر، جنگ های خونین بسیاری را به دنبال داشته که طبعاً در این جنگ های تن به تن، کثرت لشکریان هر یک از طرفین نبرد، از عوامل مهم در پیروزی بوده است. همین وابستگی نبردها به نیروی انسانی، موجب شده که حکومت ها برای جنگ و یا دفاع، آمار نظامیان خود را افزایش داده و در این راه از زور و اجبار نیز برای به خدمت گرفتن طبقات متوسط و پایین جامعه استفاده نموده اند.

سربازی در لغت به معنای باختن سر، جان فشانی کردن، تا پای جان در رزم ایستادن و جان باختن است اما در اصطلاح امروزی خدمت دائمی یا موقت در نیروهای مسلح کشورها، سربازی نامیده می شود (دهخدا (۱۳۷۷)، جلد ۱۱: ۲۲۱).

گرچه شیوه های سنتی برای سرباز گیری از مستعمرات و استفاده از بردگان از قدیم الایام در اروپا وجود داشته لکن نخستین قانون مدون در این زمینه در سال ۱۷۹۸ و در فرانسه تصویب شد که هر فرانسوی را سربازی می دانست که موظف به دفاع از ملت است. ناپلئون بناپارت بر این مبنا ارتشی بزرگ را تشکیل داد که با آن از پس همه ارتش های اروپایی بر آمد و متعاقباً در کشورهای دیگر نیز سربازی اجباری به شکل جدید رواج یافت. در ایران نیز در زمان قاجار





تأمین سرباز با تکیه بر قاعده بنیجه بود، بنیجه تعهد هر ایالت مبنی بر آماده کردن عده معینی سرباز برای حکومت در زمان قاجار بود مطابق این روش اجرایی، مردم به تناسب مالیات بر آب و خاک، عده معینی سرباز به حکومت می دادند. در سال ۱۳۰۰ رضا خان ارتش مدرن ایران را با ترکیب قوای قزاق، پلیس جنوب و ژاندارمری با نظام سربازی اجباری تشکیل داد و مجلس پنجم شورای ملی در سال ۱۳۰۴ ضمن لغو قانون بنیجه، تصویب کرد که کلیه اتباع ذکور ایرانی از اول سن ۲۱ سالگی مکلف به خدمت سربازی می باشند (ایمانی، علی و قاسمی، علی اصغر، (۱۳۹۵): ۴۱).

سربازی اجباری که در مقابل سربازی حرفه ای قرار دارد، از ابتدا با مخالفت های بسیاری مواجه بود و علی رغم مخالفت علمایی چون آیت الله نورالله اصفهانی، آیه الله العظمی شیخ ابوالحسن اصفهانی، آیت الله بهبهانی، میرزا هاشم آشتیانی و شهید مدرس، به قوت خود باقی ماند (نجفی، موسی، (۱۳۸۴): ۲۴۲).

واقعیت تاریخی این است که نه ارتش به ظاهر منظم رضا شاه و نه ارتش به ظاهر قدرتمند محمد رضا شاه، هیچکدام در مقابل تهدیدات پیش رو موفق نبوده اند و در مواقع بحرانی ارتش از هم پاشیده و پادگان ها خالی از سرباز شده اند. علت این ضعف ارتش پهلوی را باید در ضعف انگیزه ی ارتشیان جستجو نمود چرا که هر گاه عرصه بر آنان دشوار شده و سربازان جان خود را در معرض تهدید دیده اند، از آنجا که به اراده خود به این جنگ نیامده بودند، انگیزه ای جهت مقاومت و جان فشانی نداشته اند و چه بسا در دل آرزو می کردند که سلطنت این پادشاهان زورگو، که آنان را دو سال به بیگاری کشیده اند، هر چه زودتر سرنگون شود.

بعد از انقلاب اسلامی، قانون سابق راجع به سربازی به قوت خود باقی ماند تا اینکه به لحاظ ضرورت های جنگ تحمیلی، قانون خدمت وظیفه عمومی در سال ۱۳۶۳ تصویب و جایگزین قانون سابق شد. به موجب ماده ۴ قانون اخیر الذکر مدت خدمت سربازی در ایران ۳۰ سال است. این مدت به ۴ دوره ضرورت (۱۸ الی ۲۴ ماه)، احتیاط (۸ سال)، ذخیره اول (۱۰ سال) و ذخیره دوم (۱۰ سال) تقسیم می شود. در دوره ضرورت هر فرد ذکور ایرانی که به سن ۱۸ سال

تمام می رسد، موظف است که یا دفترچه اعزام به خدمت دریافت کرده و به خدمت سربازی بروند و یا در صورت داشتن شرایط برای اخذ معافیت از خدمت اقدام نمایند و الا مجرم بوده و مطابق فصل هفتم این قانون به مراجع قضایی معرفی می گردند. البته مقنن به این مجازات ها بسنده نکرده و محرومیت های اجتماعی فراوانی را نیز برای کسانی که از این تکلیف سرباز زنند در ماده ۱۰ قانون مقرر نموده است از جمله: محرومیت از هر گونه وام بانکی، کاندیدا شدن در هر انتخابات، استخدام، دریافت مدارک تحصیلی،....

وقوع دو جنگ جهانی در نیمه نخست قرن بیستم به تداوم نظام وظیفه و در مواردی احیای آن در جهان کمک کرد، اما با پایان جنگ جهانی دوم به تدریج حرکت به سوی ارتش های حرفه ای آغاز شد. بریتانیا نخستین کشوری بود که از خدمت اجباری فاصله گرفت. در آمریکا، خدمت نظام وظیفه پس از پایان جنگ ویتنام لغو شد. دولت فرانسه برنامه حرفه ای کردن ارتش را از سال ۱۹۹۶ در دستور کار خود قرار داد. مطابق این طرح سربازگیری به تدریج متوقف و ارتش پانصد هزار نفری فرانسه به ۲۶۰ هزار نفر کاهش یافت. در ۲۷ ژوئن ۲۰۰۱ خدمت سربازی به طور کامل در فرانسه لغو شد. در سال ۱۹۹۹ در میان ۲۰ ارتش پرتعداد جهان تنها نام ۶ کشور توسعه یافته دیده می شد. نیمی از کشورهای جهان در سال ۲۰۱۰ نظام وظیفه اجباری ندارند (حلیمی جلودار، حبیب الله و پاتیار، عزت الله، (۱۳۹۳)، ص ۱۷۶).

کشور ما جزء کشوهایی است که سخت گیرانه ترین مقررات را در زمینه سربازی داراست و از این لحاظ در ردیف کشورهایی چون رژیم غاصب صهیونیستی، کوبا، کره شمالی، کنگو، سودان، زیمبابوه و بورکینافاسو قرار می گیرد. جمع کشورهای که چنین مقرراتی در زمینه سربازی دارند به ۲۴ کشور رسیده و مدام این آمار در حال کاهش است. در مقابل کشورهایی که سربازی را لغو نموده اند به ۱۲۳ کشور رسیده اند که علاوه بر کشورهای چون آمریکا، فرانسه، انگلیس و استرالیا، حتی اکثر قریب به اتفاق همسایگان ما (افغانستان، پاکستان، امارات، عمان، عربستان، عراق،...) نیز سربازی ندارند. باقیمانده کشورها نیز یا اساسا نیروی نظامی ندارند (مثل واتیکان و ایسلند) و یا سربازی اختیاری دارند و یا سربازی کوتاه مدت و سربازی



برای انجام خدمات غیر رزمی دارند (به نقل از خبرگزاری میزان- کد خبر ۶۶۳۵۳۲ - ۱۳۹۹/۷/۱۹)

بخش دوم: سربازی اجباری در دیدگاه قرآن و مکتب اهل بیت (علیهم السلام)

برابر اصل چهارم قانون اساسی ج.ا.ا.: « کلیه قوانین و مقررات مدنی ، جزائی ، مالی ، اقتصادی ، اداری ، فرهنگی ، نظامی ، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است. ».

در ادامه به بررسی سنخیت یا عدم سنخیت خدمت اجباری با این منابع می پردازیم:

الف- در منطق قرآن اجبار به هیچ امری پذیرفته نیست و به عنوان یک اصل در آیه ۲۵۶ سوره بقره می فرماید: "در دین هیچ اجباری نیست، هدایت از گمراهی مشخص شده است. پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خدای ایمان آورد، به چنان رشته استواری چنگ زده که گسستنش نباشد. خدا شنوا و داناست. " این آیه پاسخ دندان شکنی است به آنها که تصور می کنند اسلام در بعضی از موارد جنبه تحمیلی و اجباری داشته و با زور و شمشیر و قدرت نظامی پیش رفته است (مکارم شیرازی، ناصر ، (۱۳۸۴): ۲۳۱). همچنین خداوند در آیه ۴۵ سوره ق خطاب به رسول خود می فرماید: « ... وَ مَا اَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ ... » : و تو مأمور نیستی که آنان را مجبور (به ایمان) کنی .

ب- خداوند در آیه ۸۴ سوره نساء می فرماید: "پس در راه خدا نبرد کن که جز بر نفس خویش مکلف نیستی، و مؤمنان را به جنگ برانگیز. شاید خدا آسیب کافران را از شما باز دارد و خشم و عذاب خدا از هر خشم و عذاب دیگری سخت تر است. " در ترجمه تفسیر المیزان در ذیل این آیه آمده است "امام صادق (ع) فرمود: خدای عز و جل به رسول گرامی خود (ص) تکلیفی کرد که به احدی از خلقش چنان تکلیفی نکرد و آن این بود که بعد از فرمان به جهاد و تثاقل ورزیدن مردم از اجابت دعوت آن جناب، شخص آن جناب را مکلف کرد، که یک



تنه و به تنهایی به جنگ با دشمن برود هر چند که جمعیتی نیابد که با وی به قتال بروند و خدای تعالی چنین تکلیفی را به احدی از خلق نکرده، نه قبل از آن جناب و نه بعد از او، امام صادق (ع) سپس این آیه را تلاوت فرمود: "فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسُكَ". آن گاه فرمود: و خدای عز و جل در مقابل این تکلیف امتیازی به آن جناب داد که به احدی از خلقش نداد و آن بود که آنچه خدای عز و جل از غنیمت جنگی سهم خود قرار داده، رسول (ص) می تواند آن را برای خود بر دارد زیرا: "مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا"، و کسی که عمل خیری انجام دهد، ده برابر پاداش دارد ...". (موسوی همدانی، سید محمد باقر، (۱۳۷۴): ۳۹) آیات دیگر قرآن نیز مؤید این مطلب است که از آن جمله می توان به آیات ۲۴ توبه، ۲۴ مائده، ۱۶۶ الی ۱۷۳ آل عمران و ۹۹ یونس اشاره نمود. بنابراین خداوند هیچ گاه شرکت در جنگ و دفاع را بر مسلمین اجباری ننموده و شرکت در جهاد اگر چه از واجبات و فروع دین است، اما اجبار فیزیکی برای شرکت در آن وجود ندارد و در آیات مختلف صرفاً تحریض (تشویق) مسلمانان به جهاد مطرح شده و برخورداری از غنائم جنگ به عنوان مزد مادی سربازان، و اجر اخروی و بهشت به عنوان پاداش معنوی آن مطرح شده است.

ج- خداوند در آیه ۲۷ سوره قصص، از قول حضرت شعیب (ع) شرط ازدواج دخترش با حضرت موسی (ع) را، هشت سال کار حضرت موسی قرار می دهد و به عنوان درسی برای بشریت، خداوند کار را در قبال مزد قرار داده و بردگی، ظلم و بهره کشی از حاصل کار دیگران را، هر چند آن فرد فراری و بی پناه باشد، نفی می نماید آنجا که می فرماید: "من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو در آورم، به این شرط که هشت سال برای من کار کنی و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، محبتی از ناحیه توست. من نمی خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم. بزودی به خواست خداوند، مرا از صالحان خواهی یافت." (آیه ۲۷ سوره قصص). حضرت موسی نیز اجباری به پذیرش این کار ندارد و در آیه بعد این شرط را می پذیرد و با میل خود به خدمت در می آید آنجا که می فرماید: (موسی پیشنهاد شعیب را پذیرفت و) گفت: این (قرارداد) بین من و تو (برقرار شد، البته) هر کدام از دو مدت را که به انجام رساندم، پس ستمی بر من نخواهد بود، و خداوند بر آنچه ما می گوئیم (گواه و) وکیل





است." (آیه ۲۸ سوره قصص). در حقیقت حضرت شعیب (ع) مهریه ی دختر خود را هشت سال کار حضرت موسی قرار می دهد (قرائتی، محسن، (۱۳۸۳): ۴۵). این منطق قرآن است که اولاً کار باید در قبال اجر و مزد مطلوب باشد و ثانياً کارگر با میل و اراده خود کار و مزد را بپذیرد.

د- در سیره حکومتی نبی مکرم اسلام (ص) و حضرت علی (ع) نیز این دستورات الهی به وضوح قابل مشاهده است که نمونه بارز آن در آماده سازی سپاه اسامه و در جنگ صفین اتفاق افتاد که مسلمین از شرکت در جنگ امتناع نمودند. نهج البلاغه نیز سرشار از گلایه ها و درد دل های حضرت امیر المؤمنین از سستی کوفیان و عدم شرکت آنان در نبردهاست که از جمله می توان به خطبه های ۲۵، ۲۷، ۳۴، ۲۹.... اشاره نمود (دشتی، محمد، (۱۳۸۵): صص ۳۸ الی ۶۱)، قطعاً ایشان، به عنوان حاکم اسلامی، اگر می خواست، می توانست همگان را مجبور به شرکت در جنگ نماید، اما سیره معصومین (علیهم السلام) چنین نبوده است.

ه- روایات فراوانی در باب آزادی انسان، لزوم رعایت حقوق کارگر و پرداخت کامل دستمزد او وارد شده که جهت رعایت اختصار فقط به سه مورد اشاره می شود: امام علی (ع) می فرمایند: «لا تکن عبد غیرک فقد جعلک الله حراً»: هرگز بنده کسی مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است. از پیامبر اسلام (ص) نقل شده: "هرکسی به کارگری در مورد مزدش ستم روا دارد خداوند عمل او را تباه می کند و بوی بهشت را، که از فاصله پانصد راه قابل استشمام است، بر او حرام می گرداند". همچنین از امام صادق (ع) از پدرانش نقل شده که رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: "ملعون است کسی که به کارگری در مورد دستمزدش ستم روا دارد." (انصاری، محمد رضا (۱۳۷۵): ۶۳۳).

و- وجوب کفایی جهاد: اکثر قریب به اتفاق فقها، از سیه و سنی، معتقد به وجوب کفایی جهادند. بدین معنی که اگر دعوت کفار به اسلام یا سرکوب مهاجمین به وسیله عده ای انجام شد در صورتی که آن عده برای آن منظور به اندازه کافی باشند، از دیگران ساقط می شود. فقها در مورد کفایی بودن جهاد علاوه بر استدلال به سیره پیامبر (ص) به برخی از آیات قرآن

نیز استدلال کرده اند، از جمله آیه شریفه ۹۵ سوره نساء که می فرماید: «مؤمنانی که بی هیچ عذری از جنگ سر می تابند با کسانی که به مال و جان خویش در راه خدا جهاد می کنند برابر نیستند. خدا کسانی را که به مال و جان خویش جهاد می کنند، بر آنان که از جنگ سر می تابند به درجه و مرتبه ای برتری داده است و خدا همه را وعده های نیکو داده است.» از این آیه به روشنی استناد می شود که جهاد واجب عینی نیست زیرا اگر واجب عینی باشد کسانی که جهاد را ترک گویند مجرم و تبهکارند و اجر و پاداشی برای آنان نیست در حالی که آیه شریفه به هر دو گروه یعنی مجاهدان و واپس نشستگان وعده نیکو داده است گر چه فضیلت مجاهدان بسیار برتر است (جمعی از نویسندگان (۱۳۷۵)، جلد اول: ص ۳۶). همچنین حضرت امام خمینی (ره) در پاسخ به این استفتاء که در چه صورتی شرکت در جبهه اسلام بر همگان واجب است؟ پاسخ داده اند: «در موقعی که اسلام یا بلد اسلامی مورد هجوم واقع شود و به قدر کفایت نیروی مدافع در جبهه حاضر نشده باشد.» (خمینی، روح الله (۱۳۸۷): ۱۳۲). بنابراین شرکت در جهاد (اعم از جهاد ابتدایی و یا دفاعی) واجب کفایی است و حتی اگر به نظر برخی از فقهاء دفاع را واجب عینی بدانیم، وجوب معنایی متفاوت از اجبار به شرکت در دفاع دارد.

۲۶۳



ز- در فقه شیعه نیز به پیروی از منابع اسلامی، در باب جهاد، شرایطی برای مجاهد ذکر شده که با وجود این شرایط جهاد بر فرد واجب می شود: بلوغ، عقل، آزادی، بینایی، سلامت از مرضی که مانع جنگ باشد و سلامت از لنگی و فقر (شیروانی، علی و قرویان، محسن (۱۳۸۵)، جلد اول: ۱۵۸). حتی بر فرض اینکه آزادی را به معنای مضیق "عدم رقیت" یا بنده نبودن فرد تفسیر نماییم باز هم ایرادی به استدلال های قبلی وارد نمی شود بلکه این مطلب را تقویت می کند که مجاهد یا همان رزمنده بایستی با اراده و اختیار خود جهاد را برگزیده باشد والا فرد مجبور به خدمت، اگر از خدمت و یا جنگ فرار ننماید، باید از توطئه و تبانی او با دشمن ترسید.



در حقیقت اسلام بنیان گذار مبارزه با بردگی و استثمار است و در فقه شیعه بابتی به عنوان "کتاب العتق" (آزادسازی بردگان) و بابتی به عنوان "کتاب التدبیر و المکاتبه و الاستیلا" (آزاد سازی بردگان با شرایطی) آمده و پیامبر گرامی اسلام در این باره فرموده اند "هر کس بنده مؤمنی را آزاد کند خداوند عزیز و جبار در ازای هر عضوی از بنده عضوی از او را از آتش نجات می دهد" (شیروانی، علی و قرویانی، محسن (۱۳۸۵)، جلد دوم: ۱۲۹).

در مجموع به نظر می رسد که در منابع اسلامی، نه تنها اجبار امری مذموم است که فرد مجبور فاقد مسؤولیت کیفری است. اراده آزاد انسان ها، زیربنای تربیت و تعالی آنها و مبنای مسؤولیت دنیوی و اخروی آنان است و اینکه انسان اشرف مخلوقات لقب گرفته در پرتو تبعیت آگاهانه و آزادانه او از تعالیم اسلام است و الا جماد و نبات و وحوش که تکویناً مطیع و منقاد هستند. آیا شرایط برای حفظ اسلام و حکومت اسلامی در صدر اسلام حساس تر بود که اسلام نهال نوپایی بود، یا در حال حاضر؟ آیا پیامبر اسلام (ص) و امیرالمؤمنین (ع) نمی توانستند مسلمانان را وادار به شرکت در جهاد نمایند؟ چرا این الزام و اجبار را بوجود نیاموردند؟ سؤال قابل تأمل این است که آیا داشتن ارتشی بزرگ از سربازان در دنیای کنونی، باعث ایجاد ترس در دشمنان خدا می شود که بتوان به این آیه در توجیه سربازی استناد نمود: "و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله وعدوكم و آخرین من دونهم" (آیه ۶۰ انفال)؟ پرواضح است که دیوار گوشتی و انسانی در شرایط کنونی رعبی ایجاد نمی کند و دشمنان ما از تعداد انبوه سربازان ما نمی ترسند بلکه ترس آنان از نیروی ایمان ملت ما به خداوند متعال و همچنین انواع موشک های دوربرد و نقطه زن، قایق های تندرو، پهپاد های رادار گریز و انواع سلاح های هوشمندی است که دستاورد ایمان، تخصص، خلاقیت و پشتکار نخبگان این سرزمین است.

بخش سوم: دیدگاه قانون اساسی در خصوص خدمت سربازی اجباری

قانون اساسی در هر کشور به عنوان میثاق ملی و چکیده آرمان های مشترک یک ملت مورد احترام همگان است و در مسائل مورد اختلاف، اصول و مفاد این قانون است که می تواند

همگان را بر گرد خود مجتمع نماید. بر این اساس، به شرح آتی به بررسی اجمالی اصول قانون اساسی در ارتباط با خدمت سربازی می پردازیم:

الف- در مقدمه قانون اساسی در خصوص ارتش مکتبی آمده است: "در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد، بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه با رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده دار خواهند بود (و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و آخرین من دونهم)". ملاحظه می شود که تشکیل نیروی دفاعی کشور در این مقدمه قانونی بایستی بر مبنای ایمان و مکتب اسلام باشد. حال سؤال این است که آیا، با توجه به مطالب بخش دوم و منابع اسلامی، استفاده از سربازان برای خدمت در نیروهای دفاعی کشور و مجهز نمودن نیروهای نظامی به منابع انسانی سرباز، مبتنی بر موازین شرعی است یا مغایر با آن؟!

ب- اصل سوم قانون اساسی: "دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ... ۱۱ - تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور..."

همچنین در اصل یکصد و پنجاه و یکم این قانون در همین رابطه آمده است: "به حکم آیه کریمه "و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم" دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد." ملاحظه می گردد که مطابق قانون اساسی آموزش نظامی عمومی از وظایف دولت شمرده شده است و معمولاً بر مبنای این دو اصل خدمت اجباری سربازی





توجیه می شود اما آیا واقعا دو سال خدمت سربازی صرفا برای آموزش نظامی است؟ خیر مطابق ماده ۴۷ قانون خدمت وظیفه عمومی و مواد ۱۶۸ به بعد آیین نامه اجرایی این قانون و رویه موجود ، فقط دو ماه اول خدمت سربازی دوره آموزش نظامی است و مابقی آن برای عمل کردن به آموخته ها و نیاموخته ها است. بنابراین دوره دو ساله یا به تعبیری دوره سی ساله خدمت سربازی صرفا برای آموزش نظامی عمومی نیست که بتوان آن را با اصول فوق توجیه کرد. قانون اساسی فقط آموزش نظامی عمومی را الزامی نموده است و قصد این را نداشته که همه شهروندان را نظامی کند. خلاصه مطلب این که دوره دو ساله یا سی ساله سربازی ارتباطی با قانون اساسی ندارد بلکه مطابق اصول بعدی مغایر با این قانون است.

ج- اصل بیست و هشتم قانون اساسی در فصل مربوط به حقوق ملت چنین مقرر نموده: "هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید."

همچنین در اصل چهل و سوم در همین رابطه آمده است: "برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود: ۴- رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره کشی از کار دیگری." آزادی افراد در انتخاب شغل، از حقوق اولیه انسان هاست و دولت نمی تواند افراد را مجبور به انجام شغل معینی، هر چند برای زمان کوتاه، نماید. ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر در این خصوص تصریح می نماید:

"بند ۱) هر کس حق کارکردن، انتخاب آزادانه ی شغل، برخورداری از شرایط منصفانه و رضایت بخش برای کار و برخورداری از حمایت دولت در برابر بیکاری را دارد. بند ۲) هر کس بدون هیچ گونه تبعیض حق بهره مندی از دستمزدی یکسان در برابر کار یکسان را دارد. بند ۳) هر کس که کار می کند حق دارد تا از دستمزدی منصفانه و رضایت بخش برخوردار

گردد آن گونه که تامین کننده ی زندگی خود و خانواده وی به طریقی شایسته ی منزلت اجتماعی باشد و در صورت لزوم با دیگر شیوه های حمایت اجتماعی تکمیل شود..."

مطابق قانون اساسی فرد در انتخاب شغل خود آزاد است و این حق از حقوق مطلق و استثناء ناپذیر است چرا که بر خلاف اصول بیست و دوم، بیست و پنجم و سی و سوم قانون اساسی) که به قانونگذار اجازه داده که حق مصونیت جان و مال و حیثیت افراد را سلب نماید یا مکالمات و مراسلات مردم را بازرسی نماید، اصل بیست و هشتم این قانون حتی به مقنن نیز اجازه نداده که با وضع قانون عادی افراد را وادار به شغل معینی نماید. حال سؤال این جاست که قانون وظیفه عمومی به چه استنادی جوانان ذکور ایرانی را دو سال و به تعبیری سی سال وادار به شغل سربازی نموده است؟!

د- اصل سی و سوم قانون اساسی: "هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد."

با مطالعه قوانین مربوط به نظام وظیفه، در هیچ قانونی مجوزی برای امکان الزام سربازان، در زمان صلح، به خدمت در غیر محل سکونت آنان وجود ندارد. بنابراین قانون نظام وظیفه و سایر قوانین عادی، در مورد این اصل از قانون اساسی استثنائی ایجاد ننموده اند. سؤال این است که نیروهای مسلح به چه استناد قانونی سربازان را در غیر از محل سکونت خود به خدمت می گمارند؟ چرا سربازی از شرق کشور به غرب کشور اعزام می شود و سرباز دیگری همزمان از غرب به شرق؟! آیا این کار مجبور نمودن افراد به اقامت در محل معینی نیست؟ آیا این الزام مجوز قانونی نمی خواهد؟!

بخش چهارم: خدمت سربازی و مصلحت نظام

با مباحثی که قبلاً گفته شد، اعتقاد نگارنده بر آن است که تردیدی در مغایرت خدمت وظیفه اجباری با شرع مقدس اسلام و قانون اساسی وجود ندارد لکن ممکن است برخی وجود خدمت سربازی را نیاز کشور و به مصلحت نظام بدانند و از این طریق تداوم آن را الزامی





بدانند. اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی مصالح نظام را به رسمیت شناخته و به مجمع تشخیص مصلحت نظام اجازه داده که مصوبات مجلس را، حتی در صورت مغایرت با شرع (احکام اولیه) و قانون اساسی، به لحاظ تأمین مصالح نظام تصویب نماید: "مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بدانند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید."

در اجرای این اصل، آیین‌نامه داخلی مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورخ ۶۶/۱۲/۴ به تصویب مقام معظم رهبری رسید که آخرین اصلاحیه آن مربوط به ۷۶/۸/۳ می باشد. قبل از شروع بحث بایستی مفهوم احکام اولیه، ثانویه و حکومتی و مصلحت نظام و مورد واکاوی قرار گیرد تا در ادامه بتوان انطباق یا عدم انطباق این مفهوم را با خدمت سربازی بررسی نمود.

حکم اولی حکمی است که اولاً و بالذات، بدون در نظر گرفتن عوارض و عناوین ثانویه وضع گردد مانند وجوب نماز و روزه، حکم ثانوی حکمی است که بر موضوعی، با توجه به عناوین عارضی آن: اضطرار، اکراه، مقدمات و... بار می شود، مانند جایز بودن خوردن مردار برای کسی که ناگزیر از خوردن است و جایز بودن افطار در ماه رمضان برای شخصی که روزه برایش زیان آور یا سبب حرج است. حکم ثانوی در مقابل حکم اولی قرار دارد که بر کارها، به لحاظ عناوین اولی آنها، بار می شود. احکام حکومتی، احکامی هستند که ولی امر در سایه قوانین شریعت و با رعایت موافقت آن‌ها به مصلحت وقت، اتخاذ و به موقع اجرا در می آورد. احکام حکومتی شامل سه نوع حکم می شود: الف) احکام جزئی مثل عزل و نصب‌ها و حکم

به ثبوت هلال ماه؛ ب) تقدم و تأخر و اولویت بندی احکام اولیه و ثانویه به هنگام تزامن آن ها؛ ج) وضع قوانین.

مصلحت در لغت به مفهوم "آنچه که باعث خیر و صلاح و نفع و آسایش انسان باشد" (عمید، حسن (۱۳۸۴)، جلد دوم: ۱۸۱۴). "آنچه موجب صلاحیت شود، آنچه که انسان به جهت نفع خود یا نفع قومش انجام می دهد، آنچه که صلاح و سود شخص یا گروهی در آن باشد." (رحیمی، مصطفی (۱۳۷۷)، جلد اول: ۶۰۱).

در اصطلاح حقوق اسلامی "غزالی در تعریف مصلحت چنین نوشته است: مصلحت عبارتست از جلب منفعت و دفع ضرر. او (غزالی) این نظریه را نمی پسندد و نظر خود را چنین بیان می کند: مصلحت عبارتست از تأمین هدف شارع. هدف شارع عبارتست از مواظبت دین و حیات انسان و عقل و نسل و اموال. اساس قانون گذاری در حقوق اسلام، رعایت مصالح و مفاسد است این را تا جایی که جستجو کرده ام همه فرقه های ذیل قبول دارند: الف- اخباریون... ب- مالکیه ج- شافعه د- حنفیه ه- امامیه و- اشاعره و معتزله..... چنین به نظر می رسد که مسلمانان از راه مصالح مرسله ضرورت های زمان و مکان و تحولات زندگی را در یافته و بر مشکلات قضایی خود از این رهگذر پیروز شده باشند مثلاً قواعد مرور زمان را از همین راه یافته اند" (جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۶)، جلد پنجم: صص ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۶).

امام خمینی (رحمه الله علیه) می فرماید: "در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر همه چیز است و همه باید تابع آن باشیم". چرا که اصرار بر اجرای یکی از اجزای نظام که اصل نظام را با خطر مواجه می نماید با عقل و منطق سازگاری ندارد. فلذا اصل مصلحت نظام بر تمام آن اصول مقدم است (هاشمی، محمد هاشمی (۱۳۸۵)، جلد دوم: ۵۴۷).

درباره ماهیت احکام حکومتی، که اساس این احکام را مصلحت و ضرورت جامعه اسلامی تشکیل می دهد، چهار نظریه مطرح شده: ۱- احکام حکومتی از سنخ احکام اولیه است. ۲- احکام حکومتی از سنخ احکام ثانویه است. ۳- بین احکام حکومتی و احکام ثانویه عموم و خصوص من وجه است. ۴- احکام حکومتی نه از سنخ احکام اولیه و نه از احکام ثانویه است.





در هر حال تفاوت عملی چندانی نخواهد داشت که حکم حکومتی را جزء احکام اولی یا ثانوی بدانیم یا به عنوان حکم مستقلی به آن بنگریم؛ بلکه مهم این است که همانند سایر نظام های سیاسی، در نظام سیاسی اسلام نیز به حاکم اسلامی این اجازه داده شده که برای رفع نیازمندی های حکومت و حل معضلات نظام و بن بست شکنی، تدابیری اتخاذ نماید که نه تنها با احکام اولیه اسلام همخوانی نداشته باشد بلکه از جنس اکراه و اضطراب و تقیه و ... نیز نباشد و به اقتضای مصالح نظام و ضرورت های حکومت داری اتخاذ این تصمیمات ناگزیر است. در خصوص مفهوم احکام ثانوی و حکومتی و مصلحت در حد مطالب فوق بسنده می نماییم و حال به بررسی این مسأله می پردازیم که آیا اجرا و تداوم خدمت سربازی به مصلحت نظام اسلامی است یا خیر؟ به این منظور منافع و مضار خدمت سربازی بایستی روشن شود تا بعد بتوانیم مصلحت را تشخیص دهیم:

الف: منافع خدمت سربازی:

۱- دسترسی آسان و سریع به نیروی انسانی جوان برای دفاع از کشور: تشکیل واحد های سیاسی، مسأله حفظ و نگهداری و دفاع از کشور را مطرح می سازد. کشوری که می خواهد مستقل باشد باید این مسأله را جدی بگیرد و از هر جهت برای دفاع مجهز و مهیا باشد. نخستین وسیله برای دفاع از کشور نیروی انسانی است. نیروی انسانی کارآمد هم جوانان هستند (مدنی، سید جلال الدین (۱۳۷۷): ۹۴). ماده ۱ قانون خدمت وظیفه عمومی نیز در توجیه خدمت سربازی مقرر می دارد: "دفاع از استقلال و نظام جمهوری اسلامی ایران و جان و مال و ناموس مردم وظیفه دینی و ملی هر فرد ایرانی است و در اجرای این وظیفه کلیه اتباع ذکور دولت جمهوری اسلامی ایران مکلف به انجام خدمت وظیفه عمومی برابر مقررات این قانون می باشند...."

۲- صرفه جویی در هزینه ها از طریق تأمین نیروی انسانی دائمی، فراوان و ارزان برای دفاع مداوم از کشور؛

۳- جنبه تربیتی سربازی برای رشد جوانان و کمک به استقلال آنها در زندگی

ب: معایب و مضار خدمت سربازی:

۱- بی شک دفاع از تمامیت ارضی و استقلال کشور و حفظ جان، مال و ناموس ملت در مقابل تهدیدات فراوان دشمنان نظام ما، امری ضروری، حیاتی و وظیفه هر فرد ایرانی است. اما آیا دفاع از این ارزشها با انجام خدمت سربازی میسر است؟ آیا با نیروی انسانی نظامی فراوان است که می توان از این ارزشها دفاع نمود؟ البته در جنگ های گذشته داشتن سربازان بسیار از عوامل پیروزی در نبردها بود اما اینکه این قدرت علمی و فنی کشورهاست که می تواند دشمنان را به زانو در آورد. پس تلف نمودن دو سال از بهترین سالهای زندگی زندگی جوانان کشور در یادگیری فنون نظامی صد سال پیش و اجرای رژه و پست نگهبانی، در حقیقت سنخیتی با دفاع از این اهداف و ارزشها ندارد.

۲- سربازی بزرگترین مانع تحصیل، اشتغال و ازدواج جوانان ماست. بی جهت نیست که سن ازدواج در کشور از مرز سی سال گذشته است و بی شک یکی از موانع مهم اشتغال و تولید در سال های اخیر، مشغول کردن نیروی جوان کشور به امورات نظامی است.

۳- اماکن نظامی، با وارد شدن سربازانی که گزینش و تأیید صلاحیت نشده اند، در معرض انواع آسیب هایی قرار می گیرند که حداقل آن خارج شدن سهوی یا عمدی اسرار نظامی است.

۴- درگیر شدن یگان های نظامی در آموزش، به کار گیری، حضور و غیاب، مرخصی، نظارت و رسیدگی به تخلفات خیل عظیم سربازان، تمرکز این یگان ها را از تقویت آمادگی نظامی پرسنل کادر و تلاش در جهت به روز رسانی تجهیزات نظامی باز می دارد. آیا بهتر نیست که هزینه های هنگفت ناشی از شناسایی و اعزام سربازان به خدمت، ۲۴ ماه حضور در مراکز نظامی، بررسی



موارد معافیت از خدمت، برخورد با فراریان و متخلفان، ...، صرف تربیت و به کارگیری متخصصان نظامی شود؟

۵- آموزشهای ارائه شده در مراکز آموزش نظامی، برای جنگ های رو در رو است و تناسبی با جنگ های امروزی ندارد. دشمنان دیگر با سلاح های انفرادی به جنگ ما نمی آیند بلکه با گولهای رسانه ای و قدرت اقتصادی خود به جنگ ما آمده است که دفاع و بلکه تهاجم به دشمن در این عرصه ها، نیازمند مشارکت آگاهانه جوانانی متخصص، بصیر و خستگی ناپذیر است.

۶- دور شدن سربازان از کانون خانواده و کاهش نظارت پدر و مادر بر آنان، در کنار دشواری های خدمت سربازی و معاشرت با همه نوع سرباز، زمینه را برای انواع انحرافات آماده می نماید.

۷- در شرایطی که جهان به سمت حذف سربازی اجباری پیش می رود اصرار ما بر اجرای سربازی، ما را در ردیف کشورهایی چون رژیم غاصب صهیونیسم، بورکینافاسو، کنگو، سودان و کره شمالی قرار داده و صرف بودن ما در لیست این کشورهای غاصب و یا جنگ زده، وجهه نظام ما را در مخدوش می نماید.

۸- مشغول نمودن جوانان برای آمادگی در جنگ نظامی احتمالی، آنان را از آمادگی و مقابله با جنگ های نرم موجود باز می دارد. تصور کنید اگر نیروی جوانی کشور ۲ سال در مسیر تولید قرار گیرد، چه تحولی در کشاورزی، صنعت و اقتصاد کشور به وجود خواهد آمد. آیا مصلحت کشور ما در آماده نمودن جوانان برای مقابله با جنگ نظامی احتمالی است یا آمادگی برای مقابله با جنگ های نرم موجود که فرهنگ و اقتصاد ما را هدف گرفته است؟ آیا ما با مشغول نمودن جوانان، به عنوان گروه هدف دشمن، نادانسته آب به آسیاب دشمن نمی ریزیم؟

اکنون با وجود این ایرادات اساسی آیا تداوم خدمت سربازی به مصلحت نظام ماست؟ آیا وجهه بین‌المللی ایران با داشتن خدمت اجباری تقویت می‌شود یا تضعیف؟ آیا فرار از خدمت سربازان را باید جرم شناخت و مجازات کرد یا باید آنرا ناشی از فطرت مختار و جبر ستیز او ارزیابی نمود و آن را تقویت کرد تا جوان راه درست را بشناسد و آزادانه آن را انتخاب نماید؟

نتیجه‌گیری

سربازی اجباری، زاییده جنگ‌های خونین بشری و نشأت گرفته از تفکرات سلطه‌جویانه پادشاهان مستبد است. کشورهای دنیا، به دلیل مغایرت سربازی اجباری با حقوق بشر و همچنین از بین رفتن کارایی آن، به سمت حذف سربازی پیش رفته‌اند به نحوی که حتی در بین کشورهای خاورمیانه، ایران جزء معدود کشورهایی است که آن را اجرا می‌کند. در دنیایی که نبرد تن به تن و لشکرکشی‌های گذشته جای خود را به جنگ نرم، تقابل اندیشه‌ها، نبرد تکنولوژی‌های فوق پیشرفته و جنگال داده، اصرار بر استفاده حداکثری و اجباری از نیروی جوان غیرمتخصص برای خدمات نظامی و غیرنظامی منطقی به نظر نمی‌رسد و چه بسا آیندگان از ائتلاف این حجم عظیم از استعدادهای جوان در سربازی اجباری و بازداشتن آنها از چرخه تولید و کار مولد، تلقی خیانت نمایند. شاید تصویب قانون خدمت وظیفه عمومی در سال ۱۳۶۳ که کشور مواجه با یک تجاوز همه‌جانبه بود، قابل توجیه باشد اما قطعاً ادامه اجرای این قانون در سالهای اخیر، سیاست غلطی است که همچون سیاست کنترل مولید، تداوم اجرای آن، کشور را در ادامه با بحران مواجه می‌نماید. با همه مباحثی که در این تحقیق بیان شد، شاید اجرای خدمت اجباری برای حدود ۹۰ سال در کشور ما، به نوعی عادت و سنت ایجاد نموده باشد که این عادت، ما را از تفکر در مورد درست یا غلط بودن آن باز داشته است. نکته مهم این که در فرهنگ قرآنی تعصب بر عادات و رسوم غلط پدران و اجداد نکوهش شده (آیه ۱۰۴ مانده) و روحیه حق‌پذیری و تسلیم شدن در برابر حق اقتضاء دارد که بعد از روشن شدن حق، پافشاری بر باطل خود ننماییم. در سال جاری که به عنوان «تولید، پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی» نام‌گذاری شده، قطعاً یکی از موانع بزرگ تولید و اشتغال، دست و پنجه نرم نمودن



میلیون ها نیروی جوان کشور با چالش های سربازی است: چه آنان که از ترس سربازی ، مجبور به ادامه تحصیل هستند و چه آنان که به دنبال راه گریزی برای معافیت از خدمتند و چه آنهایی که غایب و فراری هستند و چه آنان که مشغول به خدمت هستند.

به عنوان یک راهکار عملی پیشنهاد می شود: ضمن ملغی نمودن تدریجی سربازی اجباری و پذیرش نظام سربازی حرفه ای ، در تقویت و توسعه واحدهای بسیج (در ابعاد مختلف فرهنگی-اقتصادی-نظامی) و تشویق مردم به عضویت داوطلبانه در این نهاد مردمی و انقلابی گام های استوارتری برداشته شود تا مردم در زمان صلح و جنگ ، با اراده خود، نه فقط به دفاع نظامی که به دفاع اقتصادی و فرهنگی در برابر توطئه های اجانب بپردازند . در این صورت لزومی ندارد که دولت مردم را به دفاع وادار نماید بلکه این مردم هستند که با اشتیاق و اصرار از دولت می خواهند که اجازه دهد از آرمان ها و سرزمین خود دفاع نمایند و جبهه های دفاع مقدس و دفاع از حریم اهل البیت (ع)، سرشار از نمونه های این ابرمردان بی ادعاست .

به امید روزی که با ظهور عدالت گستر موعود، بساط جنگ و دفاع نظامی برچیده شود و هزینه های هنگفت نظامی صرف آبادانی و حل معضلات انسان ها شود. ان شاء الله.

منابع و مأخذ

- ۱) دشتی، محمد (۱۳۸۵) ترجمه نهج البلاغه، نشر محدث، چاپ اول، قم.
- ۲) دهخدا علی اکبر، (۱۳۷۷)، فرهنگ لغت ۱۶ جلدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳) مدنی، سید جلال الدین (۱۳۷۷)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی ج.ا.ا.، انتشارات پایدار، چاپ پنجم، تهران.
- ۴) رحیمی، مصطفی (۱۳۷۷)، ترجمه المنجد، مصطفی رحیمی، جلد اول، انتشارات صبا، چاپ اول، تهران
- ۵) جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۶)، دانشنامه حقوقی، جلد پنجم، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم، تهران.
- ۶) هاشمی، محمد (۱۳۸۵)، حقوق اساسی ج.ا.ا.، جلد دوم، نشر میزان، چاپ یازدهم، تهران،
- ۷) عمید، حسن (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی عمید، جلد دوم، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و هفتم، تهران،
- ۸) انصاری، محمد رضا (۱۳۷۵)، الحکم الزاهره، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، قم،
- ۹) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، برگزیده تفسیر نمونه، جلد اول، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پانزدهم، تهران،
- ۱۰) موسوی همدانی، سید محمد باقر (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، جلد پنجم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، قم،
- ۱۱) شیروانی، علی و قرویان، محسن (۱۳۸۵)، ترجمه لمعه الدمشقیه، جلد اول، انتشارات دارالفکر، چاپ بیست و نهم، قم،





۱۲) نجفی، موسی (۱۳۸۴)، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی

، موسسه مطالعات تاریخ معاصر، چاپ سوم، تهران

۱۳) ایمانی، علی و قاسمی، علی اصغر، (۱۳۹۵)، مقاله: سیاست گذاری خدمت سربازی

و فرایند ملت سازی در ایران، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال پنجم،

شماره ۱۸، پاییز ۱۳۹۵

۱۴) مجموعه اساسی، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح مقررات ریاست جمهوری، چاپ

اول، تهران، ۱۳۸۱.

۱۵) قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، جلد نهم، ناشر مرکز فرهنگی درسهایی از

قرآن، چاپ یازدهم، تهران

۱۶) حلیمی جلودار، حبیب الله و پاتیار، عزت الله، (۱۳۹۳)، مقاله: خدمت سربازی حرفه ای

از منظر قرآن و نهج البلاغه، مجله سیاست های دفاعی، سال ۲۲، شماره ۸۶، بهار

۱۳۹۳

۱۷) جمعی از نویسندگان (۱۳۷۵)، جهاد و دفاع در اسلام، جلد اول، نمایندگی ولی فقیه

در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهران

۱۸) خمینی، روح الله (۱۳۸۷)، جنگ و دفاع در اندیشه امام خمینی (س)، تهران، مؤسسه

تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)